

گرامر درس سوم زبان انگلیسی پایه یازدهم :

جمله شرطی نوع اول : Conditional Sentence Type (1)

ساختار جمله ی شرطی نوع اول

شرطی نوع اول : که به آن شرطی واقعی گفته می شود . در شرطی نوع اول احتمال وقوع عمل در زمان حال و آینده وجود دارد . هر جمله شرطی از دو قسمت تشکیل می شود .

1- قسمت شرط ، که با If ( اگر ) شروع می شود . 2- قسمت جواب و نتیجه ی شرط

1- a) If you study hard, you will pass the test.

جواب شرط قسمت شرط

اگر سفت درس بفوانی، در امتحان قبول فواهی شد.

- اگر نتیجه ی شرط در ابتدای جمله بیاید و سپس قسمت شرط ، نیازی به آوردن کاما « , » نیست .

b) You will pass the test if you study hard.

ساختار شرطی نوع اول :

مصدر بدون will + to + فاعل , زمان حال ساده If

جواب شرط قسمت شرط

نکته ی 1 : مخفف will بصورت ( 'll ) نوشته می شود .

2- If I get a good job, I'll stay here.

نکته ی اضافی 2 : در شرطی نوع اول، می توان به جای will از have to , must , should , can , may

be going to و might هم استفاده کرد.

3- If you are in a hurry, you can take a taxi.

4- If you don't go now, you may miss the train.

5- If it rains, we should stay at home.

6- If you want to succeed, you must study hard.

7- If you want to learn English, you have to practice hard.

8- If she passes all her exams, we are going to buy her a good present.

9- If you phone me after 12 o'clock, I might be in bed.

نکته ی اضافی 3 : در شرطی نوع اول ، در جواب شرط ، برای بیان دستورالعمل، توصیه ، نصیحت و هشدار ، می توان

از جمله ی امری نیز استفاده کرد.

10- If you want to help me, call the doctor.

11- Don't forget to lock the door if you go out.

نکته اضافی 4 : موقع سؤالی کردن جملات شرطی ، جواب و نتیجه شرط به صورت سؤالی در می آید .

12- What will you do if you are cold?

13- Will he pass the test if he doesn't study hard?

گرامر درس سوم (3) زبان انگلیسی پایه یازدهم بخش: See Also

Present Participle & Past Participle

صفت فاعلی و صفت مفعولی:

الف: صفت مفعولی : یک صفت اثر پذیر است و با افزودن -ed به فعل یا سافتن قسمت سوم فعل درست می شود. معمولاً اساس یک انسان را ، نسبت به چیزها یا به افراد را نشان می دهد .

1- I am interested in history.

2- Ali was confused because the problem was confusing.

3- We were amused at her story.

4- My sister was frightened by the snake.

نکته : در اکثر موارد، صفت مفعولی برای انسان بکار می رود.

یک صفت اثر گذار است و با افزودن -ing به فعل درست می شود. معمولاً برای نشان دادن مس یا حالتی که شفصی یا چیزی در مطاب ایجاد می کند ، بکار می رود .

5- The film was boring.

6- It was an amusing story.

7- Her job is exciting.

نکته : صفت فاعلی ، معمولاً برای اشاره به اسامی بی جان ( غیر انسان ) بکار می رود.

- ( در زبان فارسی معمولاً با پسوند های آور / انگیز / کننده معنی می شوند. )

نکته اضافی : صفت فاعلی برای اشاره به انسان نیز می تواند بکار رود (اکثر کتاب های درسی ، به آن اشاره نمی شود) .

8- He is a very boring person. او شفص بسیار کسل کننده ای است.

مهم ترین صفات مفعولی و فاعلی در ممدوده ی کتاب های درسی و کنکور عبارتند از :

صفت مفعولی	صفت فاعلی
amazed (at/ by) شگفت زده	amazing شگفت آور
amused (at/by) سرگرم ( شده )	amusing سرگرم کننده
bored (with /of) کسل / فسته (شده)	boring کسل کننده ( فسته کننده )
tired (of) فسته (شده)	tiring فسته کننده
confused (about) گیج ( شده )	confusing گیج کننده
depressed (about) افسرده / غمگین	depressing افسرده کننده
excited (about/at/by) هیجان زده	exciting هیجان انگیز ( مهیج )
frightened (of) ترسیده / ومشت زده	frightening ترسناک - ترساننده
interested (in) علاقمند	interesting جالب ( علاقمند کننده )

shocked (at/by) شوکه ( شده )	shocking هولناک ( شوک آور )
surprised (at/by) متعجب	surprising تعجب انگیز ( تعجب آور )
satisfied (with) راضی / خوشحال	satisfying فشنود کننده / راضی کننده

**بفش رایتینگ درس سوم زبان انگلیسی پایه یازدهم**

To + verb = infinitive

مصدر با to

1. مصدر با to به عنوان فاعل جمله:

- 1- To drive carelessly is dangerous. = Driving carelessly is dangerous.  
 2- To learn a language can be interesting. = learning a language can be interesting.

1. مصدر با to به عنوان مفعول جمله بعد از افعال زیر:

- 1-choose ( انتخاب کردن )      2-decide ( تصمیم گرفتن )      3-want ( خواستن )  
 4 - promise ( قول دادن )      5- wait ( منتظر ماندن )      6-agree ( موافق بودن )  
 7- learn ( یاد گرفتن )      8-attempt ( تلاش کردن )      9-\*like ( دوست داشتن )  
 10-\*forget ( فراموش کردن )      11-\*remember ( به یاد آوردن )      12-\*try ( تلاش کردن )  
 ( افعال کتاب دانش آموز )  
 12 tell ( گفتن )      13-ask ( سوال کردن / خواستن )      14-\*advise ( نصیحت کردن )  
 15-hope ( امیدوار بودن )      16-plan ( برنامه ریزی کردن )      17-\*begin ( شروع کردن )  
 ( افعال کتاب کار )

نکته 1 : در برخی از افعال ، بلافاصله بعد از آنها فعل دوم به شکل مصدر با to می آیند .

- 3-We decided to change our plans.  
 4-She wanted to buy an Iranian handicraft.

نکته 2: اما یک تعدادی از افعال هم وجود دارند که بعد از آنها ابتدا بعد از آنها مفعول و سپس فعل دوم به شکل مصدر با to می آیند. (برخی از فعل ها با هر دو ساختار بکار می روند).

- 5- I want to go.  
 6- I want you to go.

به مثال های زیر، برای هر یک از افعال بالا ، دقت کنید.

- 7-I chose to learn German rather than French. [rather than = به جای]  
 8- They chose Donald to be their leader.  
 9-Tina has decided to go to Rome for her holidays.  
 10-I want to study physics now.  
 11-I don't want Linda to hear about this.  
 12- He promised to give back the book.

- 13- Are you waiting to use the phone?  
14- I waited for Reza to say something.  
15- The teacher agreed to finish the class 5 minutes early.  
16- I learned to drive when I was 18.  
17- In this lesson, I will attempt to explain infinitives.

نکته: برای منفی کردن مصدر، قبل از مصدر با to، ( not ) می آوریم.

- 18- I decided not to go.  
19- His parents advised him not to eat fast food.

3. مصدر با to برای نشان دادن قصد و هدف از انجام کار یا عملی:

- 20- He went there to see his friend.  
21- To learn English, you should practice a lot.

4. مصدر با to بعد از برخی از صفات: بعد از صفاتی که نشانگر اهمیت، تکرار عمل، امساعات شفصی، سفتی و آسانی کار و غیره ... باشند، فعل بصورت مصدر با to بکار می رود.

لیست صفاتی که در ممدوده کتاب درسی و کنکور می باشند و بعد از آنها، مصدر با to بکار می رود.

happy (فوشمال) sad (نارامت / غمگین) careful (مواظب و مراقب) certain (مطمئن)  
glad (شاد / فوشمال) shocked (شوکه / بهت زده) sorry (متأسف) amazed (شگفت زده)  
ashamed (فوشمال) fortunate (فوش شانس) lucky (فوش شانس) surprised (متعجب)  
dangerous (خطر ناک) easy (آسان) hard=difficult (سخت و مشکل) possible (ممکن) impossible (غیرممکن)  
important (مهم) necessary (ضروری) (غیرممکن)

- 22- We are happy to be here.  
23- Ali was really sad to leave us.  
24- The heavy rain made it hard for us to drive easily.  
25- Overactive children find it difficult to concentrate.  
26- I was careful not to burn myself.  
27- Prices are almost certain to increase.  
28- Members will be glad to hear him speak again.